

تبیین ساختار و مبانی مهندسی مالی اسلامی

احمد شعبانی*

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۵/۲۵

عبدالمجید کجوری نژاد**

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۷/۳۰

چکیده

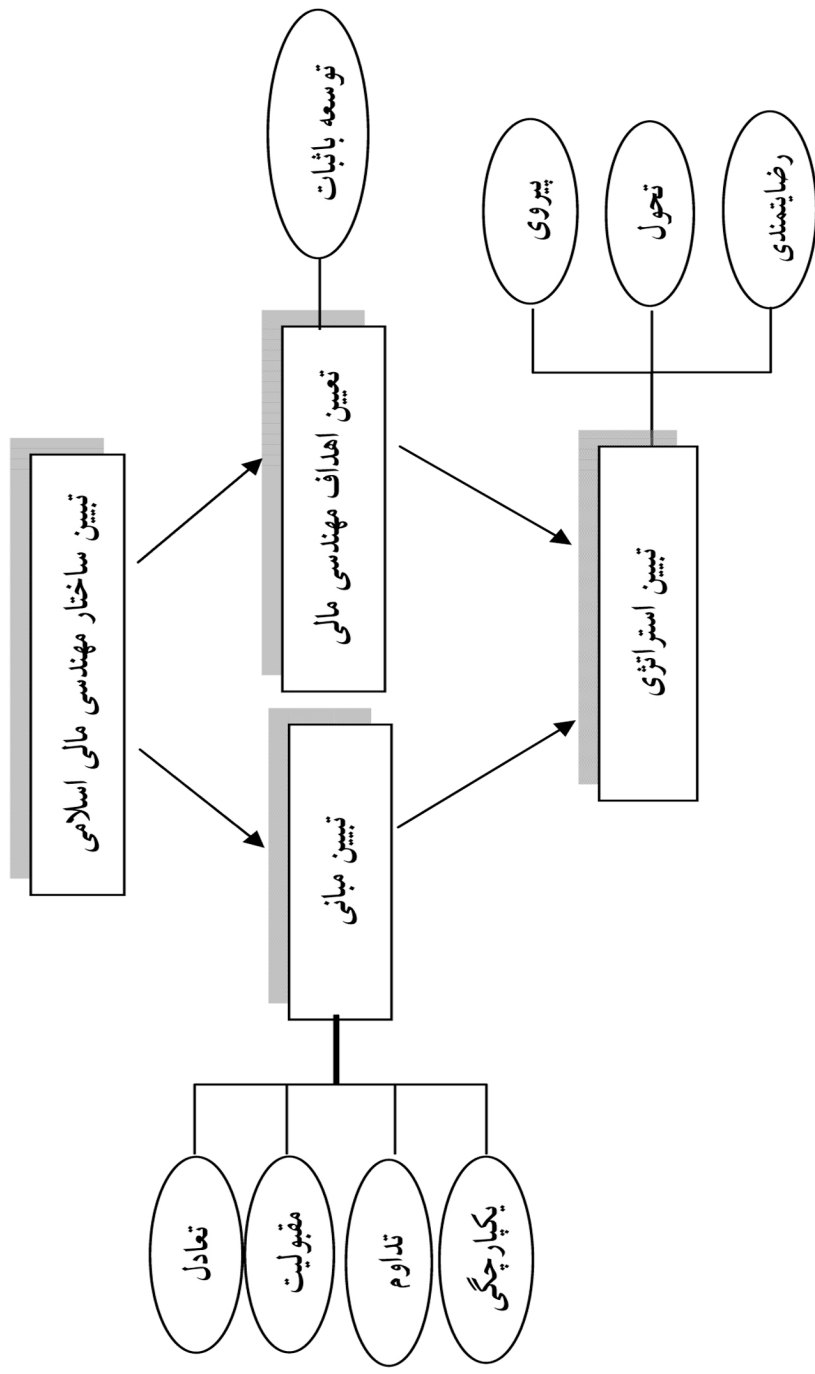
در این مقاله با دیدی مبنایی به موضوع نهادهای مالی می‌پردازیم و راهکار خروج از انفعال نظام مالی-اسلامی را ضرورت توجه به مقوله نوآوری و تلاش برای ایجاد مهندسی مالی-اسلامی بیان می‌کنیم. در نظام مالی اسلامی، مهندسی مالی به معنای خاص خود ابزاری برای توسعه این نظام است و به معنای متعارف آن که مشتقات مالی است، منحصر نمی‌گردد. برای ایجاد مهندسی مالی-اسلامی که تا به امروز توجه زیادی بدان نشده است؛ باید ابتدا ساختار آن را بیان نمود و در این روند باید به فرایند نوآوری و محدودیت‌ها و چالش‌های آن از یک سو و فرصت‌ها و ضرورت‌های آن از سوی دیگر توجه داشت. در گام بعدی در مهندسی مالی-اسلامی به اصول موضوعه و مبانی اسلامی و شرعی آن باید توجه داشت و خط‌مشی اساسی مهندسی مالی-اسلامی از میان این مبانی اسلامی و مبانی مالی و علمی آن مشخص می‌گردد. در نهایت، با شناخت شرایط کنونی نظام مالی-اسلامی و تبیین استراتژی و خط‌مشی این نظام و اهداف و رویکردهای نهایی آن، مبانی و هسته اساسی مهندسی مالی-اسلامی را استخراج خواهیم کرد.

واژگان کلیدی

مهندسی مالی، نوآوری، رشد اقتصادی، تعادل، اطلاعات کامل، یکپارچگی، ابزارهای مالی، طبقه‌بندی JEL P40, Z12, F36, K29, G32, E52

مقدمه

نظام مالی - اسلامی با توجه به سابقه و عملکرد چند دهه اخیر خود و با توجه به مبانی و توانایی‌ها و مزایای راهبردی خود تاکنون نتوانسته است ظرفیت بالای خود را به صورت عملی و کاربردی و در یک ساختار عملیاتی در عرصه مالی بین‌المللی نشان دهد. لذا در این مقاله قصد داریم که راه حلی برای ظهور کارکردهای این نظام و تبدیل شدن آن به یک نظام پیشرو را که نمایان‌کننده توانایی‌ها و ظرفیت منحصر به فرد این نظام باشد، ارائه نماییم و از مبانی و ماهیت تا عملکرد و ویژگی‌های آن را بررسی کنیم. لذا در این مقاله همان‌طور که در نمودار زیر هم نشان داده شده است، ما در گام اول به تبیین شاکله و ساختار مهندسی مالی - اسلامی می‌پردازیم و پس از آن، اهداف و مبانی را که مورد قبول اسلام و منطبق با نظام حاکم بر سیستم‌های مالی نوین باشد، مطرح می‌کنیم. سرانجام، پس از آنکه مشخص شد از چه مبانی، به چه اهداف و دستاوردهایی می‌خواهیم برسیم، به تبیین و تعریف استراتژی منطقی و شرعی آن نیز می‌پردازیم.



نمودار شماره ۱. تبيين ساختار مهندسي مالي اسلامي

۱. تبیین ساختار مهندسی مالی - اسلامی

مهندس مالی امروزه در نهادها و بازارهای مالی به مفهوم مشتقات مالی و کاهش ریسک به کار برده می‌شود، ولی در نظام مالی - اسلامی، مهندسی مالی به معنای خاص خود و ابزاری برای توسعه این نظام است (Merton, 1992, p.265).

در واقع، در نظام مالی - اسلامی، مهندسی مالی به معنای طراحی، توسعه و تجهیز ابزارها و فرایند نوآورانه مالی و ایجاد راهکار خلاقانه‌ای برای حل مشکلات مالی است که هدف آن کاهش هزینه‌های معاملاتی و افزایش بازده سرمایه‌گذاری است.

در ایجاد نوآوری و خلاقیت در نظام مالی اسلامی باید توجه داشت که ذاتاً نوآوری پیش‌بینی‌ناپذیر است که اگر بدین‌گونه نبود، اصلاً ابتکاری شمرده نمی‌شد. این بُعد ذاتی نوآوری باعث ایجاد بی‌ثباتی و تغییر شرایط نظام مالی می‌شود. لذا از این جهت نوآوری خود مطلوب نیست بلکه ارزش افزوده و منافی است که در بعد از آن به دست می‌آید؛ این بی‌ثباتی را پوشش می‌دهد و باعث توسعه اقتصادی می‌شود.

با توجه به این مقوله می‌توان مهندسی مالی - اسلامی را به‌عنوان اصول و استراتژی‌هایی برای توسعه نوآوری و حل مشکلات نظام مالی تعریف کرد. فرایند مهندسی مالی باید فنون و روش‌های مناسب برای توسعه خلاقیت و نوآوری را در خود ایجاد کند و نظام مالی را برای رسیدن به این هدف و ابزارها و خدمات نوین تجهیز کند؛ بنابراین، در مهندسی مالی از یک سو باید به اصول شرعی توجه داشت و از سوی دیگر با ارائه محصولات مالی مبتکرانه بر اساس نیازهای واقعی و ارائه راه‌حل‌های مناسب باید تلاش شود.

در واقع، مهندسی مالی بر اساس مدل‌های ریاضی محاسبه نمی‌گردد بلکه توسعه اقتصادی و انعطاف مدیریتی خود نشان‌دهنده کیفیت و موفقیت این فرایند است (Mason, 1995, p.84).

از سوی دیگر درباره نوآوری در بُعد شرعی اسلامی نیز باید توجه داشت که گرچه شریعت اسلام یک مجموعه محدودیت‌ها در رفتارها و معاملات مالی ایجاد می‌کند، این محدودیت‌های اسلامی مانعی بر سر راه نوآوری نیست بلکه قوانین اسلامی

توسعه‌دهنده خلاقیت و نوآوری نیز است و انسان‌ها را به سمت کشف حقایق و رموز هستی دعوت می‌کند و صرفاً بازدارنده انسان از پرداختن به امور بیهوده یا باطل است. شایان ذکر است که پدیده نوآوری نباید ابزاری برای دور زدن قوانین حاکم بر نظام مالی و اقتصادی باشد؛ زیرا این قوانین متضمن نظم بازار و پوشاننده مخاطرات معاملات است. لذا نوآوری‌ای مورد نظر است که غلبه بر قانون به سمت کارایی اقتصاد صورت پذیرد، نه آنکه اصول شرعی یا علمی نقض شود.^۱

۱-۱. شاکله مهندسی مالی - اسلامی

هم اکنون نظام مالی - اسلامی بیشتر بر اساس قراردادهای و ابزارهای مالی سنتی خود عمل می‌کند و گرچه آن‌ها ابزاری مناسب برای این نظام هستند، علتی بر محدود کردن سیاست‌گذاری‌های مالی - اسلامی صرفاً به این ابزارها وجود ندارد و با توجه به گسترده‌تر شدن و رقابتی‌تر شدن بازارهای مالی نوین و تسریع عملیات مالی، ایجاد یک مهندسی مالی و نوآوری در نظام مالی - اسلامی ضروری است؛ زیرا با تغییر و تحولی که در نیازها و تقاضاهای مالی چه در بخش فردی و چه در بخش اجتماعی وجود دارد، مهندس مالی - اسلامی باید با بررسی این نیازها و خواسته‌ها، ابزارها و یا خدمات جدید مالی مانند مشتقات مالی یا تأمین مالی‌های نوینی مانند رهن یا صکوک را ایجاد و نوآوری کند.

فرایند مهندسی مالی به‌دنبال پاسخگویی به این نیازهاست. لذا مبانی و اصول اسلامی را مبنایی برای ایجاد ابتکار و خلاقیت و ارائه ابزارهای مالی نوین قرار می‌دهد و این روند خود منجر به افزایش کارایی و توسعه اقتصادی و هماهنگی این نظام با جریان روبه‌رشد اقتصاد جهانی می‌شود. یکی از اساسی‌ترین این اصول، اصل اباحه است که نقش بسزایی در تبیین خط‌مشی نظام مالی - اسلامی ایفا می‌کند. اصل اباحه می‌گوید که همه‌چیز مباح و مجاز است مگر اینکه خداوند واضح آن را ممنوع و حرام کرده باشد و برای تشخیص محرّمات نیز شریعت، مبانی و اصول موضوعه‌ای را بیان داشته است. لذا مجتهد که از یک سو مبانی محرّمات و از سوی دیگر اصل اباحه را می‌داند، پس می‌تواند چارچوب اسلامی نوآوری‌ها را تعیین کند.

- لذا با توجه به اصل اباحه و شرع اسلام می توان چارچوب و اصول نوآوری در نظام اسلامی را بدین گونه تعیین کرد:
- ۱- برای ایجاد هر نوع شرط و عملکرد در عقود اسلامی که در چارچوب شرعی باشد، اجازه داریم.^۲
 - ۲- در حقوق دیگران بدون جبران کردن آن نمی توان تصرف کرد.^۳
 - ۳- رعایت عدالت و انصاف در همه اجزاء و ارکان ساختار مالی وجود داشته باشد (شفائی، ۱۳۳۵ق، ص ۱۴۰).
 - ۴- ارکان و اجزای کارا و لازم برای نظارت بر شفافیت و کامل بودن اطلاعات صورت گیرد.^۴
 - ۵- به روح و ماهیت قراردادهای و ابزارهای مالی اسلامی پایبند باشد.
- در واقع، این پنج اصل مهم خطمشی اساسی نظام مهندسی مالی - اسلامی را نشان می دهد. در گام بعد این اصول برآمده از شرع ما را به تبیین اصول کارایی در نظام مالی - اسلامی رهنمون می نماید. در نتیجه نظام مالی - اسلامی علاوه بر وجاهت شرعی، اصول بهره‌وری اقتصادی را مورد نظر دارد.
- ۱- از نظر شرع اسلام کسب هیچ سود و منفعتی جز با تحمل کار یا هزینه‌ای مجاز نیست.^۵
 - ۲- اصل عدالت و رفاه اجتماعی باید در ساختار نظام مالی مورد توجه قرار گیرد. این بدان معناست که فرایند مالی باید به دنبال رفاه اجتماعی و تقویت ارزش‌های انسانی و اسلامی باشد ((حجر: ۱۹-۲۱)، رک. مریم ابن تراب، ۱۳۸۵، ص ۷).
 - ۳- اصل ضرورت باید در مهندسی مالی - اسلامی وجود داشته باشد تا ساختار نظام مالی بر اساس رفع نیازها و خواسته‌های ضروری اجتماع که منجر به ارتقای پویایی و رشد آن می شود، بنیان شود (موسایی، ۱۳۷۴، صص ۶-۸).
- لذا با تبیین خطمشی مهندسی مالی - اسلامی و اصول و مبانی شرعی آن می توان شاکله کلی مهندسی مالی - اسلامی را تبیین کرد.

۲-۱. اصول شرعی مهندسی مالی - اسلامی

لذا با توجه به مبانی شرعی و اقتصادی و ساختار کلی که برای مهندسی مالی - اسلامی بیان شد، نتیجه گرفته می‌شود که چهار هدف و اصل ضروری باید در ابزارها و تولیدات مالی خود ایجاد شود تا باعث مشروعیت و مزیت رقابتی این ساختار شود که آن‌ها بیان می‌شود:

اول. این تولیدات و تسهیلات مالی در خود آگاهی و هوشیاری را در معاملات باید رعایت کند؛ یعنی اینکه معاملات باید در شرایط هوشیارانه و با اطلاع کامل از جوانب آن صورت گیرد و فریبکاری و یا نادانی در آن نباشد.

دوم. شفافیت وجود داشته باشد و هیچ ابهام در معاملات و یا اطلاعات نامتقارنی (مانند معاملات غری یا قمار) وجود نداشته باشد.

سوم. به قابلیت در آن توجه شده باشد و توانایی انجام تمام اجزای معامله باید وجود داشته باشد و عقد قراردادی که بخشی از کالا را مالک نباشد یا بخشی از خدمات غیرممکن باشد، مقدور نیست.

چهارم. تعهد و الزام در ابزارها و تولیدات مالی اسلامی وجود داشته باشد و به ظاهر و باطن قرارداد تعهد وجود داشته باشد و هیچ نوع طفره یا فریبکاری در معامله صورت نپذیرد.^۶

۲. اهداف و مبانی مهندسی مالی

۲-۱. مبانی مهندسی مالی - اسلامی

در این بخش سعی بر آن است که مبانی اقتصادی و علمی را که با شاکله نظام مالی - اسلامی انطباق دارد، استخراج نمود و این مبانی را به‌عنوان مبانی کاربردی برای پیدایش و توسعه مهندسی مالی - اسلامی معرفی کرد. لذا چهار مبنا برای طراحی مهندسی مالی بیان می‌شود که دو مبنا، مبانی ساختاری و موضوعی است که می‌توان آن‌ها را مبنای تعادل و مبنای یکپارچگی نامید و دو مبنا روش‌شناختی هستند که شامل مبنای مقبولیت و مبنای تداوم و پیوستگی می‌شود.

۲-۱-۱. مبنای تعادل

این مبنا دیدگاه کلان اسلام و مبانی آن را نسبت به خواسته‌های فرد و اجتماع نشان می‌دهد در واقع مبنای تعادل^۷ بیان می‌دارد که قوانین اسلامی به صورت واضح و منحصر به فردی به ایجاد تعادل و هم راستای بین منافع و رشد فردی و اجتماع به صورت توأمان تکیه دارد و یک اعتدال و ارتباط نزدیک بین این دو ایجاد می‌کند (Monzer Kahf, 2006, p.2).

تشریح اصولی مانند حرمت ربا یا وجوب زکات مبین همین مهم است. در یک کلام، می‌توان گفت در جایی که نظام سرمایه‌داری به دنبال سودآوری و عملکرد بازار و حل مشکلات اقتصاد است و از سوی دیگر نظام سوسیالیستی در قالبی غیرانتفاعی به دنبال حل مشکلات اقتصادی است، اسلام با ایجاد یک توازن و تعادل بین دو دیدگاه، هر دو رویکرد را برای حل نیازهای اقتصادی و اجتماعی راهبردی و ضروری می‌داند.

۲-۱-۲. مبنای مقبولیت

مبنای مقبولیت^۸ که مهندس مالی - اسلامی بر اساس آن باید پی‌ریزی شود، مبتنی بر رویکردی روش‌شناختی نسبت به این موضوع است. در واقع، این مبنا می‌گوید که معاملات اقتصادی باید قابل قبول باشد، حتی اگر به وسیله شریعت مطرح شده باشد. در واقع، این مبنا مبتنی بر این فرض است که تمام تعاملات اقتصادی برای رفع نیازها و خواسته‌های انسان‌هاست و از آنجاکه از نظر اسلامی انسان ذاتاً به دنبال خوبی‌هاست؛ لذا تمام نیازهای او در راستای رسیدن به جامعه‌ای کامل و مناسب است. از آنجاکه همیشه بدی‌ها و شر در اجتماع وجود داشته است، قوانین شریعت برای حفظ حرکت روبه‌رشد اجتماع است (Iqbal, 2004, p.59).

قوانین اسلامی و شرعی گاهی رویکرد جلوگیری و مقابله و گاهی رویکرد تشویقی و یا حتی اجباری نسبت به یک مجموعه فعالیت‌های اقتصادی دارند. در واقع، در جاهایی که سودآوری وجود دارد و انسان‌ها خود ذاتاً به دنبال آن خواهند شتافت، اسلام از ایجاد وقوع بی‌عدالتی در اقتصاد جلوگیری می‌نماید و از پرداختن به فعالیت‌های نادرست ممانعت می‌کند.

و در جاهایی که سودآوری وجود ندارد و انسان‌ها خود ذاتاً به دنبال این فعالیت‌های ضروری مانند فقرزدایی نیستند، پس اسلام قوانین تشویقی و یا حتی اجباری برای هدایت مردم به سمت آن‌ها تشریح می‌کند. لذا این مطلب علت وجود رویکرد بازدارنده قوانین شرعی در فعالیت اقتصادی سودآور را مشخص می‌کند. در واقع اصل و مبنای مقبولیت سنگ کناری نوآوری است. در این مبنا هیچ محدودیتی برای نوآوری و خلاقیت انسان تاجایی که باعث ایجاد آسیب اجتماعی نشود، وجود ندارد.

در واقع این مبنا می‌گوید که در تسهیلات نوین مالی، راه اثبات قابل قبول بودن آن‌ها نشان دادن حرام نبودن آن معاملات است. در نتیجه، در اقتصاد اسلامی، بنیان و بنیاد حلال بودن یک معامله را اجتناب از اجزای حرام اقتصاد مانند ربا- که برهم‌زننده ثبات و حرکت روبه‌رشد اقتصاد است- می‌توان دانست (Chappra, 2004, p.180).

۲-۱-۳. مبنای یکپارچگی

در واقع اقتصاد از سه بخش اساسی زمان، ریسک و معامله تشکیل شده است و جدا کردن این سه مؤلفه از یکدیگر، باعث خارج شدن اقتصاد از عملکرد مناسب و روبه‌رشد آن است.

لذا ربا با دخل و تصرف در مؤلفه زمان و غرر با دخل و تصرف در مؤلفه ریسک، اقتصاد را از بخش واقعی آن و حرکت باثبات خارج می‌کند؛ درحالی‌که ترکیب این مؤلفه‌ها باعث ثبات و تداوم اقتصادی و کاهش هزینه‌های معاملاتی اقتصاد می‌شود.

لذا یک مبنای مهم برای مهندس مالی، در نظام مالی- اسلامی ایجاد همین یکپارچگی^۹ است؛ یعنی با توجه به اصول موضوعه اسلامی- که سرآمد آن‌ها غرر که در خود، ریسک؛ و ربا که در خود زمان را دارد- و ایجاد یکپارچگی و هماهنگی بین مؤلفه‌های اساسی اقتصاد یک ساختار و فرایند پیش‌برنده مهندسی و طراحی شود.

گرچه شاید ایجاد این یکپارچگی و هم‌راستایی برای اقتصاد هزینه‌هایی داشته باشد، ولی بسیار کمتر از هزینه کلانی که این افتراق و بی‌ثباتی حاصل از عدم یکپارچگی مؤلفه‌های اقتصادی به وجود می‌آورد، خواهد بود. لذا شریعت اسلام نیز به

یکپارچگی بین این مؤلفه‌ها (زمان، ریسک و معامله) نگرانی داشته است و با تشریح حرمت غرر، قمار و ربا سعی در کنترل یکپارچگی اقتصاد دارد، فلذا در راستای مهندسی مالی - اسلامی یکپارچگی یک مبنای اساسی است.

۲-۱-۳-۱. ارزیابی محصولات و خدمات مالی

یک نتیجه اساسی که از مبنای اسلامی یکپارچه‌سازی مالی حاصل می‌شود، این است که در فرایند مالی نباید از پول، پول به وجود آید بلکه رشد و افزایش سرمایه باید از مجرای بخش واقعی اقتصاد و با ایجاد کالا یا خدمات محقق شود (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص ۱۷۲).

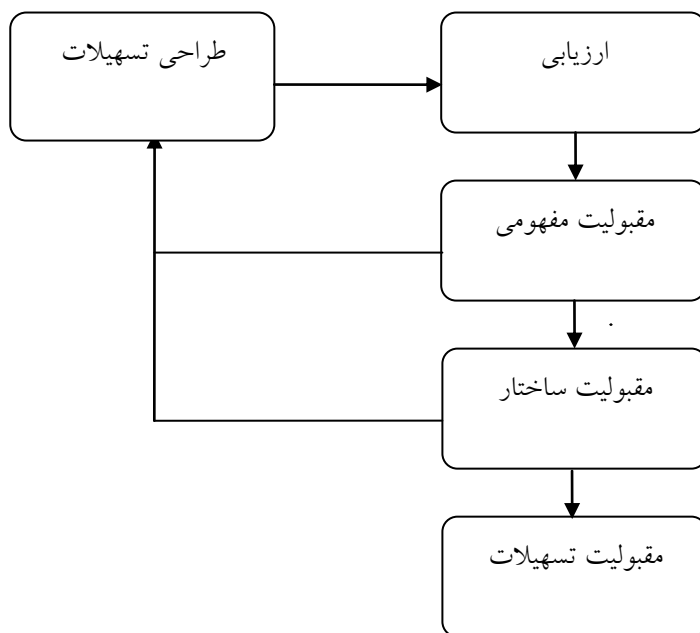
در واقع، صرفاً ایجاد تولید و خدمات نیز هدف شمرده نمی‌شود بلکه هدف، یکپارچه‌سازی مؤلفه‌های اساسی اقتصاد است. این به معنای مولدیت همراه با توسعه اجتماعی است که هدف مهندسی مالی - اسلامی است (Iqbal, 2004, p.62).

بنابراین، اقتصاد اسلامی به وسیله قوانین شرعی که مبتنی بر اخلاق و ارتقای اقتصادی است و با به کارگیری نوآوری‌ها و ابزارهای مالی، ساختار بخش واقعی اقتصاد پیش‌رونده را طراحی می‌کند.

در این راستا باید به دو رکن شیوه تأمین مالی و مفهوم و راهکار تأمین مالی و ارتباط آن‌ها نیز توجه کرد.

در رویکرد اسلامی چه در قانون‌گذاری و چه در ارائه تولیدات و تسهیلات مالی توجه به هر دو رکن، اساسی و ضروری است. لذا اقتصاددانان به دنبال ایجاد تعادل بین این دو می‌باشند و درجه ارتباط این دو رکن با یکدیگر مقدار تداوم و پیوستگی نظام مالی را نشان می‌دهد.

پروسه ارزیابی خدمات مالی اسلامی



منبع: نویسنده

گرچه مبناى بعدى ما برای مهندس مالی- اسلامی همین مبناى تداوم و پیوستگی است، در مقدار و درجه این اصل بین دانشمندان و اقتصاددانان اختلاف وجود دارد. لذا در مبناى یکپارچگی توجه به اینکه محصولات و خدمات مالی در هر دو رکن مفهوم و روش هم‌راستا حرکت کنند و تأمین‌کننده کارایی و هماهنگی در سیستم باشند، ضروری است.

۲-۱-۴. مبناى تداوم و پیوستگی

همان‌طور که بیان شد، بین روش و محتواى تولیدات مالی- اسلامی باید پیوستگی^{۱۰} و هماهنگی وجود داشته باشد. لذا نوآوری‌های خدمات و تولیدات مالی- اسلامی از این جهت باید ارزیابی شود و در صورت انطباق برای اجرایی شدن، قابل قبول خواهند بود. با شناخت مبناى مهندسی مالی- اسلامی در سه گام می‌توان تولیدات و خدمات

نظام مالی را بررسی و ارزیابی کرد:

در گام اول، مفهوم و محتوای این نوآوری و تولید جدید بررسی می‌شود و اگر با مبانی اقتصاد اسلامی تطابق داشته باشد، قابل قبول است.

در گام دوم، روش و فرایند عملکرد آن بررسی می‌شود.

در گام سوم، به تعدیل و اصلاح و تکمیل این تولید و نوآوری جدید مالی پرداخته می‌شود.

در نهایت، پس از توضیح چهار مبنای مهندسی مالی - اسلامی باید اشاره کرد که در هر مرحله از نوآوری، این چهار مبنای روش‌شناختی و محتوایی باید در نظر گرفته شود و علاوه بر اینکه تعادل و مقبولیت در نوآوری‌ها وجود داشته باشد، یکپارچگی و از سوی دیگر پیوستگی در مراحل تولید و ارکان آن که متشکل از روش و شیوه، عملکرد و مفهوم خدمات مالی است، مورد توجه قرار گیرد.

لذا با شناختی که از مبانی و ارکان اولیه تأسیس یک مهندسی مالی - اسلامی به دست می‌آید، استراتژی مناسب برای ایجاد خدمات نوین و نوآورانه مالی بررسی خواهد شد.

۲-۲. ایجاد توسعه باثبات به عنوان هدف نهادهای مالی اسلامی

توسعه باثبات^{۱۱} و مداوم به معنای توسعه اقتصادی با استفاده از منابع به‌گونه‌ای که رفع نیازهای مردم بدون به خطر انداختن امکان رفع نیاز نسل آینده صورت پذیرد (Harris, 2000, p.8).

لذا برای دستیابی به چنین رشد مداوم و باثباتی باید به چهار مقوله توجه داشت:

۱- توسعه اجتماعی با توجه به نیاز همه افراد اجتماع؛

۲- حفظ مناسب محیط زیست؛

۳- استفاده کارا و محتاط از منابع طبیعی؛

۴- دستیابی به رشد بالا و باثبات اقتصادی.

بنابراین نظام مالی - اسلامی با توجه به نقش اساسی که در اقتصاد دارد، باید در ایجاد روند توسعه باثبات و مداوم نقش خود را ایفاء کند.

بنابراین باید به عنوان سرمایه‌گذار، نیازهای سرمایه‌گذاری برای دستیابی به این نوع توسعه اقتصادی را برآورده کند و به‌عنوان یک نهاد خلاق و نوآور با ابداع تسهیلات و خدمات جدید و نوین مالی به تقویت و تشویق هرچه بیشتر برنامه‌ریزی‌های توسعه باثبات پردازد و در نهایت به‌عنوان یک نهاد و معیار ارزش‌گذار در اقتصاد باید هزینه، ریسک و نرخ بازده اقتصادی را به‌صورت متناسب برای دستیابی به توسعه باثبات تنظیم کند (Hassan and Chachi, 2001, p.10).

دستیابی به یک توسعه باثبات و مداوم با یک جریان سرمایه‌گذاری باثبات در زیرساخت‌های اساسی و بخش‌های حساس اقتصادی ممکن است و در این راستا نهادهای مالی-اسلامی با شناخت ضرورت‌ها و هدایت مناسب سرمایه‌ها به‌سمت این نوع سرمایه‌گذاری‌ها بیشترین تأثیر را در توسعه باثبات دارند.

۳. استراتژی توسعه خدمات و تولیدات مالی

تا بدین‌جا اصول و مبانی مهندسی مالی-اسلامی بیان شد و عملکرد و تأثیرات آن ارزیابی گردید. لذا همین مبانی باید منجر به ایجاد یک نظام مالی شود که در آن تولیدات و خدمات مالی در یک فرایند مناسب و نوین صورت بگیرد.

نظام مالی-اسلامی باید به تعیین استراتژی مناسب برای نوآوری‌ها و ایجاد خدمات و تسهیلات مبتکرانه برای خود اهمیت قائل شود. پس اولین گام مهندسی مالی-اسلامی تعیین استراتژی و ارتقای فنون خود برای توسعه خدمات و تولیدات مالی-اسلامی است.

به‌صورت کلی نظام مالی-اسلامی به سه روش می‌تواند برای خود استراتژی اتخاذ کند:

- ۱- از خدمات و تسهیلات نظام مالی متعارف این استراتژی را شروع کنند؛
- ۲- از خدمات و تسهیلات اسلامی نوآوری و ایجاد استراتژی توسعه تولید را شروع کنند؛
- ۳- با توجه به نیازهای واقعی مشتریان به نوآوری و اتخاذ استراتژی پردازند.

۳-۱. پیروی کردن

همان‌طور که اقبال (۲۰۰۱) در جستار راهکاری عملیاتی برای نظام مالی - اسلامی پیشنهاد می‌کند که می‌توانیم بر اساس خدمات و تولیدات مالی متعارف^{۱۲} نوآوری و تعیین استراتژی‌ها آغاز کنیم و سپس آن‌ها را در منبع اصلی خود (اقتصاد اسلامی) قرار دهیم و در واقع از تطبیق ابزارهای اقتصاد متعارف با عقود و ابزارهای اسلامی به یک ساختار تولیدی منطبق با مفهوم اسلامی به دست می‌آید که آن را در قالب پیروی کردن بیان می‌داریم.

این استراتژی را می‌توان یک مهندسی معکوس نامید (Iqbal, 2004, p.65) که البته در چند دهه اخیر نظام مالی - اسلامی، بیشتر کشورهای اسلامی به‌دنبال این روش بوده‌اند. گرچه در آغاز این روش شاید مفید و راهبردی باشد، در بلندمدت صنعت مالی دچار رکود و توقف می‌شود که می‌توان چهار علت برای اثبات این مدعا بیان کرد:

اول. این راهکار باعث می‌شود که همیشه تکیه بر روش‌ها و شیوه‌ها شود و به مفاهیم و مبانی تأمین مالی توجهی نگردد و در واقع شریعت و قوانین اسلامی به‌صورت منفعل و صرفاً وسیله‌ای برای تطبیق به کار رود و به ارزش‌ها و توانایی‌های آن در یک قالب مستقل توجه نمی‌شود.

دوم. در واقع نظام مالی - اسلامی یک پیرو و وابسته به نظام مالی متعارف می‌شود و در واقع، هیچ وقت نظام مستقل مالی - اسلامی وجود نخواهد داشت که ضرورت طراحی یک مهندسی مالی - اسلامی وجود داشته باشد و یک گام عقب‌تر از نظام مالی متعارف، نظام اسلامی خود را با آن تطبیق می‌دهد.

سوم. این پیروی بدین معناست که قالب‌های تأمین مالی از نظام مالی متعارف اتخاذ می‌شود و فقط با شریعت اسلام انطباق داده می‌شود و این باعث می‌گردد عقود و قراردادهای اسلامی همیشه ناتوان و عقب‌تر از نظام متعارف قرار گیرد و وقتی نظام مالی - اسلامی دچار بحران شود، از آنجاکه قالب خود را از نظام متعارف گرفته است، با اصول اسلامی و شرعی نمی‌تواند راه حل مناسبی برای خود بیابد و این التقاط باعث پیچیده‌تر شدن مشکلات مالی در این نظام مالی می‌شود.

چهارم. ابزارهای متعارف برای حل مشکلات نظام مالی متعارف است و وارد کردن این ابزارها در نظام مالی اسلامی باعث تحمیل همان مشکلات نظام مالی متعارف به آن می‌شود و با افزایش و عمیق‌تر شدن این مشکلات در نظام مالی اسلامی و افزایش وابستگی و نیاز ما به نظام مالی متعارف می‌شود. لذا اتخاذ استراتژی نوع اول کارا و باثبات نیست.^{۱۳}

۲-۳. ایجاد تحول در نظام مالی اسلامی

استراتژی دوم این است که نظام مالی اسلامی با بهره‌جستن از مبانی خود مبتکرانه عمل کند و به نوآوری در عرصه معرفی ابزارهای مالی راهبردی و نوین مبادرت نماید. سپس با مشاهده نتایج این ابتکارات راه توسعه و پیشرفت آتی تولیدات و خدمات مالی - اسلامی روشن‌تر و ابزارهای مناسب مالی - اسلامی مشخص و تقویت می‌شود و ابزارهای غیر کاربردی هم کنار گذاشته می‌شود.

بر اساس مبانی اسلامی، استراتژی توسعه و پیشرفت نوآوری در خدمات مالی - اسلامی نوین تعیین می‌شود و در گذر زمان به تولیدات و خدماتی می‌رسیم که ناتوانایی‌ها و نقصان‌های قبلی مالی را نداشته باشد. در این فرایند به مبنای مقبولیت و یکپارچگی باید توجه زیادی شود تا مشروعیت و ثبات در نوآوری‌ها وجود داشته باشد.^{۱۴}

۳-۳. ایجاد رضایتمندی در مشتریان

در این استراتژی به جلب رضایت مشتریان سیستم مالی توجه می‌شود. این بدان معناست که بهترین استراتژی آن است که نیازهای صحیح مردم را به کاراترین روش برآورده کند. این خود باعث رفاه اجتماعی و عدالت اقتصادی می‌شود.

این استراتژی با مبانی اسلام نیز تطابق دارد.^{۱۵} لذا مهندسی مالی باید کشف کند کدام نیاز و تقاضاها در بخش مالی وجود دارد و چه ابزار مالی برای بهینه برطرف کردن این نیاز می‌تواند ابداع کند.

در واقع، این استراتژی راستای معکوس استراتژی نوع دوم است و در کنار هم یک استراتژی کامل را می‌سازد.

تعیین نیازهای واقعی مشتریان و تحول و توسعه در خدمات و تولیدات مالی نیازمند فرایند ارزیابی دقیق بازار است. از این رو، مشتریان و خواسته آنها نقش بسزایی در ابزارهای مالی نوین خواهد داشت و نظام مالی به هدف جلب رضایتمندی مشتریان به ارائه خدمات و تسهیلات مالی می پردازد (Shiller, 2003, p.73).

برای مثال به اجاره به شرط تملیک در نظام مالی اسلامی می توان اشاره کرد که بانک به جای پرداخت پول نقد به مشتری نیاز واقعی او را که خرید یک کالا مانند اتومبیل است، شناسایی می کند و آن را در اختیار او قرار می دهد. کارایی بیشتر و ثبات مالی بیشتر در رفع نیاز وجود دارد و هم اصول شرعی و اجتناب از ربا صورت می گیرد و هم ثبات و سودآوری بالاتری در اقتصاد ایجاد می شود.

بنابراین، نظام مالی اسلامی می تواند با مهندسی بهینه و شرعی، ابزارهای مالی ارائه دهد که به جای تزریق پول در جامعه و ایجاد سفته بازی و حضور پول های سرگردان که بیشتر به بخش واقع اقتصاد و تولید بر نمی گردد، منابع مالی را به سمت بخش واقعی اقتصاد و رفع نیازها و توسعه اقتصادی هدایت کند.

نتیجه گیری

همان طور که بیان شد، با توجه به ظرفیت نظام مالی - اسلامی و ضعف ها و ناتوانی های اجرایی آن در چند دهه اخیر برای ساختارسازی مجدد این نظام ضروری است راهکار و استراتژی مناسبی تبیین کرد. در نتیجه راه حل و راهکار خارج شدن این نظام از چنین فرسایش و انفعالی که امروزه دچار آن شده است، این مهندسی مالی - اسلامی خواهد بود.

به طور خلاصه اهم مواردی که در این مقاله به آن اشاره شد، بیان می شود:

۱- خط مشی اساسی برای پی ریزی مهندسی مالی را می توان موارد ذیل دانست:
جواز شروط ضمن عقد، ضرورت جبران حقوق دیگران، رعایت عدالت و انصاف، شفافیت اطلاعات.

۲- مهندسی مالی - اسلامی و نوآوری های نظام مالی باید یک مجموعه مبانی و اصول شرعی را نیز مورد توجه قرار دهد که آنها را می توان در ادامه بیان داشت:

حلیت سود و منفعت برآمده از تلاش و کار، اصل استحسان، اصل ضرورت.
۳- چهار هدف و اصل ضروری باید در ابزارها و تولیدات مالی مهندسی مالی- اسلامی ایجاد شود تا باعث مشروعیت و مزیت رقابتی این ساختار شود که در اینجا آن‌ها بیان می‌شود:

تسهیلات مالی خودآگاهی و هوشیاری را در معاملات باید ایجاد کند، شفافیت وجود داشته باشد، به قابلیت‌ها در آن توجه شده باشد و باید توانایی انجام تمام اجزای معامله وجود داشته، تعهد و الزام در ابزارها و تولیدات مالی- اسلامی نیز وجود داشته باشد.

۴- چهار مبنا و هدف برای طراحی مهندسی مالی را مبنای تعادل، مقبولیت، یکپارچگی، تداوم و پیوستگی باید دانست.

یادداشت‌ها

۱. راهکارها و اصول ایجاد نوآوری مالی و رابطه آن با قانون‌گذاری و نظارت بررسی شده است (Leather and Raines, 2004).
۲. بر اساس اصل اساسی اسلامی که «المسلمون عند شروطهم الا شرطاً حل حراماً او حرم حاللاً» این اصل مهم بنیان شده است (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۷۴).
۳. آل کاشف‌الغطاء (۱۳۷۳ق، ص ۲۴) کلیه آیات و احادیث داله مطرح شده است.
۴. اصل حرمت جهاله و غرر (حسینی قمی حائری، ۱۳۱۰ق، ص ۳۰۹).
۵. در این رساله دانشگاهی طرق مشروع و کارای کسب مال و توزیع منابع ترسیم شده است (کجوری، ۱۳۸۷، صص ۱۰۰-۱۱۰).
۶. در اصول و راهکارهایی که در این بخش مطرح گردید، سعی در آن بود که زیربنایی‌ترین و ضروری‌ترین موارد برای پی‌ریزی مهندسی مالی اسلامی از قرآن کریم یا منابعی که اجماع مسلمین بر آن است، استخراج گردد.

7. balance
8. acceptability
9. integration
10. consistency
11. sustainable development
12. conventional finance

۱۳. ذکر این نکته مهم است که بحران‌های مالی سال‌های اخیر نشان داد که نظام متعارف خود نقاط ضعف در روش‌شناسی دارد و ضرورت نظام مالی کارآمد و جایگزینی احساس می‌شود؛ پس این نظام بستر و زمینه برای ساختن نظام مالی اسلامی نمی‌تواند باشد.

۱۴. (Mitchell, 1998; Holland, 1995; and Goldberg, 1989): در این مقالات الگوی ایجاد تحول در یک نظام مالی پویا به هدف رسیدن به رشد و کارایی بیان شده است. در واقع این یک روند تکرار است که وابسته به گذر زمان است. نظام مالی خلاق با پیدایش ابداع و آزمایش آن در هر مرحله از زمان و با یک نوع آزمون و خطا، بهینه‌ترین ابزارها و راهکارها را در نهایت طراحی می‌کند.

۱۵. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ (حج: ۶۵).

کتابنامه

قرآن.

آل کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۳۷۳ق)، *تحریر المجله*، ۲ج. تهران و قم: مکتبه النجاج و مکتبه الفيروزآبادی.

ابن‌تراب، مریم (۱۳۸۵)، «اصل عدالت اجتماعی در سیستم قانونگذاری اسلامی»، *ندای صادق*، شماره ۴۴.

توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، *پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری*، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری توانگران.

شفائی، محسن (۱۳۳۵)، *مجموعه قواعد فقه*، تهران: چاپ نقش جهان.

حسینی قمی حائری، سید حسن بن سید اسماعیل (۱۳۱۰ق)، *القواعد الحسينية في عدة قواعد الفقهيه*.

خراسانی، محمد (۱۴۰۹ق)، *کفایة الاصول*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت.

عبیدالله (۱۳۸۷ش)، *کتاب مهندسی مالی اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

موسایی، میثم (۱۳۷۴)، «اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۹.

- Chappra (2004), *The Case against Interest*, Presented at International Conference on Islamic Banking and Finance, Brunei.
- Elster (2000), *Studies in Rationality, Precommitment and Constraints*, Cambridge University Press.
- Goldberg, D. (1989), *Genetic Algorithms in Search, Optimization, and Machine Learning*, Addison-Wesley.
- Hassan and Chachi (2001), *The Role of Islamic Financial Institutions in Sustainable Development*, Development Assistance Committee.
- Handsmann (1996), *The ownership of Enterprise*, Harvard University Press.
- Holland, J. (1995), *Hidden Order: How Adaptation Builds Complexity*, Basic Books.
- Iqbal (2004), *Financial Engineering and Evaluation of New Instruments*, Islamic Development Bank.
- Leathers and Raines (2004), *The Schumpeterian role of Financial Innovation in the New Economy's Business Cycle*, Cambridge Journal of Economics
- Iqbal (1998), *Challenges Facing Islamic Bank*, IRTI.
- Jonathan M. Harris, (2000), *Basic Principles of Sustainable Development*, Tufts University.
- Mason (1995), *Cases in Financial Engineering*, Prentice Hall.
- Merton (1992), *Financial Innovation and Economic Performance*, Journal of Applied Corporate Finance.
- Mitchell (1998), *An Introduction to Genetic Algorithms*, MIT Press.
- Monzer Kahf (2006), *Islamic Finance: Business as Usual*, Key Centre for Islamic Finance Z. Aslam, London: Hardman & Co.
- Shiller (2003), *The New Financial order*, Princeton University Press.
- V.sundarajan & Erico (2002), *Islamic financial instrument and products in the global system*.

Explaining the Structure and Principles of Islamic Financial Engineering

*Ahmad Sha'bani **

*Abdolmajid Kajuri Nejad ***

Having a fundamental attitude to the issue of financial institutions, the present article maintains that it is necessary for an Islamic financial system to reconsider the issue of innovation, trying to produce an Islamic financial engineering to get rid of its present inactivity.

The term "financial engineering", as far as its specific sense is concerned, provides the tool for the development of an Islamic financial system, thus it is not restricted to the conventional meaning of the term, which refers to its financial derivations.

The first fundamental issue necessary to be taken into consideration on the way to produce an Islamic financial engineering, to which no specific attention has been paid so far, is to think of its structure. To this end, it is obligatory to consider the process of innovation and its restrictions and challenges on the one hand, and the opportunities and necessities on the other. The next important stage on the way to get to Islamic financial engineering is to pay attention to the principles related to the issue and its Islamic and religious foundations. As a matter of fact, fundamental policy of Islamic financial engineering can only be determined through the Islamic foundations, and their financial and scientific principles.

In the end, having recognized the current conditions of Islamic financial system, having explained the strategies and policies of such a system and having determined the ultimate goals and attitudes of the system, we will extract the central foundations and principles of Islamic financial engineering.

Keywords: financial engineering, innovation, economic growth, balance, complete information, union, financial tools

* associate professor of Imam Sadiq (pbh) University ashksadeq@yahoo.com

** M.A. degree in Islamic culture and economics, Imam Sadiq (pbh) University